



چگونگی ورود روایات مجعول به حوزه اسلامی / در روایات شیعه اصل بر صحت است

یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها در حوزه روایات و به ویژه روایات تفسیری، ورود جعل و تحریف و اسرائیلیات به این حوزه است و البته در روایات شیعه، اصل بر صحت روایات است و واقعاً به ندرت به روایات متعارضه برمی‌خوریم.

یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها در حوزه روایات و به ویژه روایات تفسیری، ورود جعل و تحریف و اسرائیلیات به این حوزه است و البته در روایات شیعه، اصل بر صحت روایات است و واقعاً به ندرت به روایات متعارضه برمی‌خوریم.

حجت‌الاسلام و المسلمین ابراهیم یعقوبیان، محقق و نویسنده، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان سخنانی درباره تفسیر مآثور قرآن کریم، امکان بروز تعارض میان تفسیر مآثور و تفسیر عقلی (تعارض بین دستاوردهای قطعی علوم تجربی یا قواعد محکم عقلی با نقل) و راه حل آن و آسیب‌شناسی روایات تفسیری پرداخت.

وی در بخشی از سخنان خود در تبیین برخی از آسیب‌های موجود در روایات تفسیری، اظهار کرد: برای فهم روایات و در مواجهه با هر روایت سه گام مهم باید برداشته شود: نخستین مرحله بررسی اسناد روایات است، مرحله دوم بحث دلالت روایات (فقه‌الحديث) و مرحله دیگر جهت صدور روایات است.

نویسنده کتاب «#171: سهوالنبی» افزود: دلیل سپری کردن این سه مرحله آن است که روایات، چه روایات تفسیری و چه روایات معرفتی، منقبتی یا فقهی، در هر چهار حوزه با آسیب‌های جدی مواجه شده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ورود دست جعل و تحریف به حوزه روایات و دیگری ورود اسرائیلیات در این حوزه ماست.

اصل در روایات شیعه بر صحت است و در حوزه روایات شیعه روایات متعارضه واقعاً نداریم و یا اگر داشته باشیم، بسیار به ندرت هستند و این‌که بزرگان ما گفته‌اند که مواظب روایات مجعول یا تحریف شده باشید، این سخن ناظر بدان است که مراقب باشید روایات اهل سنت به حوزه شما وارد نشود و این ربطی به روایات شیعه ندارد.

انگیزه‌های جعل و تحریف روایات

وی در تشریح چگونگی ورود روایات جعلی به حوزه روایات عنوان کرد: انگیزه‌های متعدد سیاسی و حب جاه در این مسئله دخالت داشته است؛ از زمان پس از پیامبر (ص) که از تدوین روایات جلوگیری کردند تا نیمه دوم قرن دوم هجری که در جهان اهل سنت به تدوین روایات روی آوردند، بسیاری از این سنت‌ها و روایات به فرقه‌های مختلف مبتلا شده بود.

یعقوبیان خاطرنشان کرد: وقتی در خانه اهل بیت (ع) را بستند، علی‌القاعده هزارگونه فساد سیاسی و اجتماعی در جامعه به وقوع پیوست و فرقه‌ها، نخله‌ها و مکاتب مختلف فکری در جامعه به وجود آمد. هر کس ادعای برحق بودن داشت و در چنین فضایی عده‌ای برای آن که فکر و مکتب خود را حق معرفی کند، به جعل روایات پناه بردند و عده‌ای دیگر به سمت تحریف روایات گرایش پیدا کردند.

وی با تأکید بر این‌که بخشی از این وضع و جعل‌ها و تحریف‌ها منشأ سیاسی و برخی نیز مبادی فکری و اجتماعی داشته‌اند، خاطرنشان کرد: برای نمونه به صلاح حکومت بنی‌امیه و حتی بنی‌عباس نیست که مراد از اهل بیت (ع) در آیه شریفه «#171: إِمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/33) را امیرالمؤمنین (ع) و عترت طاهرین بداند و از همین روی، چاره‌ای جز تحریف قرآن نمی‌دیدند تا مراد از اهل بیت (ع) در این آیه را زنان پیغمبر (ص) یا حتی بنی‌امیه و بنی‌عباس معرفی کنند.

ورود اسرائیلیات به حوزه اسلامی

این مدرس حوزه علمیه تصریح کرد: از سوی دیگر بنابر شواهد تاریخی از زمان خلیفه دوم کسانی چون کعب‌الاحبار یهودی، تمیم داری مسیحی و امثال آنها وارد دستگاه حکومت شدند و حضور مسیحیان و یهودیان در این دستگاه فزونی یافت؛ هم‌چنان‌که گفته شده که مشاور معاویه (کعب‌الاحبار) یهودی و طبیب او (یحییای دمشق) و غلام رومی او (سرجون بن منصور) مسیحی بوده‌اند و به ظاهر اظهار اسلام می‌کردند.

وی با اشاره به این‌که حتی در لشکر یزید در زمان حمله به مدینه مسیحیان و یهودیان فراوانی حضور داشته‌اند، گفت: این یهودیان و

مسیحیان که منتظر گرفتن انتقام شکست‌های خود علیه اسلام بودند و جالب آن‌که در زمان خلیفه دوم با آن‌که کسانی چون سلمان، ابوذر و امیرالمؤمنین(ع) در مدینه حضور داشتند، اما خطیب سخنران پیش از خطبه‌های مدینه شخصی دزد به نام تمیم داری مسیحی بوده است.

نویسنده کتاب «؛لوامعالبیان» اضافه کرد: قصص قرآن تا آنجا که جنبه هدایتی دارد به کلیاتی اشاره کرده، اما در تورات موجود و تورات آن، زمان بسیاری از جزئیات این قصص - به درست یا غلط - مطرح شده بود و اینان از این فرصت استفاده کرده و زمینه تفسیر قرآن کریم با روایات اسرائیلی را فراهم کردند؛ ضمن این‌که در این موضوع خود خلیفه دوم نقش داشته و بنابر نقل منابع تاریخی، وی از زمان قبل از اسلام، از جمله کسانی است که با خط کتب مقدس (خط کوفی)، آشنا بوده است.

وی با اشاره به این‌که در کتاب قدیمی «؛تاریخ‌المدینه» ابن شبه نمیری که از وابستگان حکومت بنی‌امیه بوده، به این شواهد تصریح شده است، خاطرنشان کرد: برادر حاکم حیره (کوفه) که با خطوط کتب مقدس آشنا بوده، به مدینه می‌آید و با خواهر ابی‌سفیان ازدواج می‌کند. از جمله کسانی که خطوط و نگارش کوفی را از وی می‌آموزند، خلیفه دوم و دیگری معاویه بن ابی‌سفیان هستند، حتی گفته شده که خلیفه دوم در زمان پیغمبر(ص) چند بار تورات یا انجیل را نوشت و در بین مسلمان پخش کرد و با واکنش پیامبر مواجه شد.

این محقق و پژوهشگر با بیان این‌که اسرائیلیات از همان زمان خلیفه دوم وارد قلمرو اسلام می‌شود، گفت: در جریان وضع و جعل باید ذکر کرد که بر اساس این‌که مدت زیادی جلو تدوین سنت را گرفته بودند و از سوی دیگر وقتی نیاز به سنت احساس کردند، مکاتب مختلف فکری و جریان‌های متعدد سیاسی در جامعه ایجاد شده بود که آنان برای آن‌که مقاصد و صلاح و نیز حکومت خود را موجه جلوه دهند، به جعل و تحریف روی آورده بودند.

بنابر شواهد تاریخی از زمان خلیفه دوم کسانی چون کعب‌الاحبار یهودی، تمیم داری مسیحی و امثال آنها وارد دستگاه حکومت شدند و حضور مسیحیان و یهودیان در این دستگاه فزونی یافت؛ هم‌چنان‌که گفته شده که مشاور معاویه (کعب‌الاحبار) یهودی و طبیب او (یحییای دمشق) و غلام رومی او (سرجون بن منصور) مسیحی بوده‌اند و به ظاهر اظهار اسلام می‌کردند

جعل حدیث با نیت سالم!

این مدرس حوزه علمیه تصریح کرد: البته باید اضافه کرد که برخی حتی با نیت‌های سالم به سمت جعل حدیث رفتند؛ چون احساس می‌کردند که از قرآن اقبال نمی‌شود، از همین روی به نفع قرآن به جعل روایت پرداختند.

وی با اشاره به این‌که به انواع عوامل جعل و تحریف، هم در علم اصول و هم در مباحث تفسیر قرآن کریم به تفصیل پرداخته شده است، گفت: البته در روایات شیعه واقعاً به ندرت به چنین مسئله‌ای برمی‌خوریم و در این حوزه روایات متعارضه واقعاً نداریم و یا اگر داشته باشیم بسیار به ندرت هستند. در روایات شیعه (مثلاً در کافی شریف) اصل بر صحت روایات است، مگر در جایی دلیل قطعی بر مشکل‌دار بودن روایت داشته باشیم.

مسئله تقیه و حفظ دماء؛ از عوامل وجود روایات متعارضه

یعقوبیان در تشریح این مطلب عنوان کرد: البته ورود در این بحث بدون مقدمه ممکن است آسیب‌زا باشد، اما همین قدر می‌توان به این نکته اشاره کرد که در مراحل بررسی روایت یعنی بررسی سند، جهت صدور و دلالت، برخی از روایات به لحاظ سند صحیح هستند، اما در بحث جهت صدور، گاه ممکن است امام معصوم(ع) در مقام بیان حکم واقعی نبوده و در مقام تقیه سخنی را بیان کرده باشد.

وی افزود: آنگاه که امام در مقام تقیه است، قطعاً حکم ایشان مطابق عقیده امام نیست، بلکه مطابق با حکم اهل سنت حکم می‌دهد. امام در مقام تقیه حکمی داده و در مقام بیان، به خواص اصحاب خود مطلب را به صورت واقعی بیان کرده و خود این مطلب از عوامل ورود تعارض در حوزه روایات و خصوصاً روایات تفسیری شده است. بنابراین یکی از عوامل تعارض در روایات ما مسئله تقیه و دیگری به صورت عموم، مسئله حفظ دماء شیعه است که خود داستان دیگری دارد.

یعقوبیان تأکید کرد: اصل در روایات شیعه بر صحت است و در حوزه روایات شیعه روایات متعارضه واقعاً نداریم و یا اگر داشته باشیم، بسیار به ندرت هستند و این‌که بزرگان ما گفته‌اند که مواظب روایات مجعول یا تحریف شده باشید، این سخن ناظر بدان است که مراقب باشید روایات اهل سنت به حوزه شما وارد نشود و این ربطی به روایات شیعه ندارد.

وی اظهار کرد: اساتید بزرگوار ما علامه حسن‌زاده آملی و علامه جوادی آملی نقل کرده‌اند که مرحوم علامه طباطبایی عمده روایات

(حتی روایاتی که به ظاهر ضعیف بودند) را توجیه عالمانه دقیقی می‌کردند.

یعقوبیان با اشاره به شاهد مثالی در این زمینه گفت: برای نمونه حدیثی در روضه کافی با نام «سلسلة الحمار» آمده است که در کتاب‌های فقه‌الحديث دانشگاهی امروز آن را جزء روایات ضعیف و یا حتی مردود برمی‌شمارند؛ با این حال برخی از اساتید ما می‌گفتند که سخن گفتن حیوانات با پیامبر و امامان خلاف قرآن نیست و عقیده حقی است که در محتوای این حدیث بدان اشاره شده است.